

بازشناسی نقش طبیعت در مسکن از بعد معرفت شناسی؛ تحلیل قیاسی خانه‌های مدرن و سنتی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

کد مقاله: ۲۹۸۷۸

افسانه فرجیان اسفنجانی^{۱*}، پریسا هاشم پور^۲، لیلا مدقالچی^۳

چکیده

با توجه به رابطه سه جانبه انسان و طبیعت (یکی از منابع شناخت و معرفت) و معماری؛ برای شناخت باطن جهان، صورت باطنی نهفته در طبیعت اهمیت می‌یابد. سوال تحقیق عبارت است از: تفاوت خانه‌های سنتی و مدرن در بهره‌مندی از معرفت حاصل از طبیعت چیست؟ هدف پروژه بررسی ارتباط طبیعت و معرفت و قیاس آن در خانه‌های مدرن و سنتی است. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و میدانی، و تحلیل به روش استدلال منطقی است. معرفت حسی حاصل از طبیعت یعنی بهره‌مندی مادی از طبیعت (در جهت نشاط و شادابی)؛ معرفت عقلانی و معنوی حاصل از طبیعت یعنی نگرش غیر مادی بدان که از طریق نگاه آیه ای به طبیعت صورت می‌گیرد. در قیاس خانه‌های سنتی و مدرن می‌توان گفت: در هر دو معرفت حسی حاصل از طبیعت با بهره‌گیری از عناصر طبیعی به‌طور مادی صورت گرفته است. در هر دو خانه معرفت عقلانی و معنوی با بهره‌گیری از عناصر غیرمادی حاصل شده با این تفاوت که در خانه‌های سنتی در هر سه حوزه و با استفاده از (طبیعت تجریدی، مقرنس و گچکاری) و در خانه‌های مدرن در دو حوزه (درختان چهارفصل یا یادآوری تغییر و تحول) صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: طبیعت، مسکن، معماری، معرفت شناسی

*- این مقاله مستخرج از پایان نامه نویسنده اول در مقطع کارشناسی ارشد رشته معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی جهت بازشناسی نقش طبیعت در مسکن از بعد معرفت شناسی در تبریز» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

rahaarch.1375@gmail.com

۲- استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

۳- استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان، محیط اطراف او و معماری می‌باشد که از طبیعت (بهترین منبع در جهت رساندن انسان‌ها به اهداف خویش) جدا نبوده، باقرارگیری انسان در سیطره طبیعت؛ اساس زندگی خود را بر تطبیق با طبیعت بنا نهاده است. عالم آفرینش پر از درس‌های خدانشناسی و اخلاقی می‌باشد و از طریق برهان‌های مختلفی می‌توان خداوند را شناخت (خواجه، ۱۳۹۳: ۱). اما امروزه با تأثیرات مکانیزه شدن بر ذهنیت انسان، دوری تدریجی از محیط طبیعی و مانوس شدن وی با مصنوعات خود رخ داده و از طبیعت جدا شده است، که منجر به انواع سرخوردگی‌ها و امراض روانی می‌گردد (عطائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱). در قلمرو معماری، بخش عمده‌ای از زیستگاه‌های انسانی را فضاهای مسکونی دربرمی‌گیرد. نیازهای ساکنین و خصوصیات رفتاری آن‌ها؛ منجر به طرح و شکل کالبدی مسکن می‌شود، در مقیاس گسترده نیز ویژگی‌های کالبدی و عینی شهر ابعاد فرهنگی آن جامعه را بازگو می‌کند (طیسی، ۱۳۹۳: ۴). معماری سنتی ایران به ویژه در حوزه بناهای مسکونی قرارگرفته در فلات مرکزی، نمونه‌ای شایسته از هم‌آهنگی میان معماری و طبیعت در سطح متعالی و ژرف به شمار می‌رود که نشأت گرفته از بطن اندیشه اسلامی است. در مطالعات پیشین طبیعت از جنبه‌های مختلف همچون طراحی پایدار، مجموعه مسکونی طبیعت‌گرا، طراحی مسکن سبز در راستای سلامت روانی و نشاط روحی ساکنان پرداخته شده ولی از باب معرفت‌شناسی بررسی نشده است. معرفت‌شناسی، به‌عنوان یکی از قلمروهای فلسفه به مطالعه منشأ، ماهیت، ظرفیت توانایی شناخت در انسان، ابعاد گوناگون معرفت می‌پردازد. معرفت‌شناسی دانشی است که از: ۱- علم و شناخت ۲- چگونگی فرآیند آن ۳- منبع تحقق آن ۴- انواع شناخت‌های بشری (تصور و تصدیق) ۵- علم حضوری ۶- علم حصولی و مانند آن بحث می‌کند. به عبارت دیگر علمی است که درباره‌ی ارزشیابی انواع شناخت‌های انسان و تعیین ملاک درستی یا نادرستی آن‌ها بحث می‌کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). هدف از انجام این پروژه بررسی ارتباط طبیعت و معرفت و قیاس آن در خانه‌های مدرن و سنتی است. و به‌دنبال پاسخگویی به سوالی با این مضمون است: تفاوت خانه‌های سنتی و مدرن در بهره‌مندی از معرفت حاصل از طبیعت در چیست؟ روش گردآوری اطلاعات با تکیه بر اسناد و مدارک موجود؛ از نوع کتابخانه‌ای و میدانی است. سپس اطلاعات حاصله از مبانی نظری به روش استدلال منطقی در نمونه‌ها تحلیل شده است. بدین نحو که اطلاعات مورد نیاز در خصوص بناهای سنتی با مشاهدات مستقیم و عکسبرداری از نمونه‌های موردی واقع در منطقه مقصودیه شهر تبریز (خانه‌های بهنام، گنجه‌ای‌زاده، حیدرزاده) و بناهای مدرن (برج‌های مسکونی کوثر مشهد، مجتمع مسکونی مهرشهر کرج) با تکیه بر اسناد و مدارک حاصل شده، ارتباط طبیعت و نمونه‌ها از زوایا و جنبه‌های مختلف بررسی گشته است. علت انتخاب نمونه‌ها؛ اقلیم تقریباً مشابه خانه‌های مدرن و سنتی، توجه به طبیعت در خانه‌های مدرن، در خانه‌های سنتی نیز واقع بودن آن‌ها در یک منطقه و دسترسی و بررسی دقیق نویسندگان بوده است.

۲- پیشینه پژوهش

در گذشته و حال توسط محققان و متفکران در مورد؛ طبیعت، نقش طبیعت در مورد کیفیت سکونت و طراحی پایدار و ارتباط با طبیعت و مسکن و... مطالعاتی صورت گرفته که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌گردد:

در مقاله‌ای با عنوان «بازیابی نقش طبیعت در ارتقای کیفیت سکونت در برج‌های مسکونی» (آناهیتا نسیمی و حافظه پوردهقان، ۱۳۹۶) اذعان کردند که هدفشون شناسایی و بررسی تأثیرپذیری سلامت روانی ساکنین از محیط مصنوع پیرامونشان است، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: برج‌های مسکونی با فضای باز سبزتر منجر به بهبود کیفیت سکونت برای استفاده‌کنندگان می‌شود این امر در بهبود بیماری‌های ناشی از زندگی شهرنشینی نظیر بیماری‌های قلبی و عروقی نقش بسزایی دارد و موجب کاهش استرس و افزایش آرامش، سرزندگی میشود. در مقاله‌ای با عنوان «تدابیر اقلیمی محیط‌های مسکونی در طب دوره اسلامی» (جعفر طاهری، ۱۳۹۵) بیان نمودند که: پزشکان برای اعتدال مزاج انسان، حفظ سلامتی و اقلیم درمانی؛ روش زندگی اقلیمی و سازماندهی محیط‌های مسکونی بر پایه تغییرات اقلیمی مکان‌ها و ویژگی‌های جغرافیایی را توصیه می‌کنند. بررسی اجمالی و مقایسه تطبیقی تعالیم متون طبی و معماری مسکونی ایران بیانگر این موضوع است که عامل هوا (میزان دما، رطوبت و تمیزی آن) نقش اصلی را در مکان‌یابی و سازماندهی شهرها و فضاهای مسکن داشته است. در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناسی بر اساس دیدگاه‌های استاد مطهری و استاد جوادی آملی» (رشیدی و دیگران، ۱۳۹۶) بیان می‌کنند که هر دو اندیشمند در زمینه امکان معرفت‌دارای نظرات مشابه بوده، که از نظر مطهری منابع شناخت عبارتند از: طبیعت، عقل، قلب، تاریخ و فطرت است و ابزارهای معرفت: حس، برهان و تزکیه نفس است. اما از دیدگاه جوادی آملی عبارتند از: حس، عقل، تهذیب، کتاب منیر و وحی است و ابزارهای معرفت: حس، خیال، وهم، عقل و قلب است. انواع معرفت از دیدگاه مطهری عبارتند از شناخت حصولی و حضوری، شناخت اجمالی و تفسیری و غیره. آنچه که در پیرامون این مطالعات مغفول مانده و به آن اشاره نگردیده اصل ارتباط مسکن با طبیعت بر پایه معرفت‌شناسی است؛ بدین سبب این تحقیق به بازشناسی نقش طبیعت در مسکن از بعد معرفت‌شناسی می‌پردازد و در خانه‌های سنتی تحلیل می‌کند.

۳- روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات با تکیه بر اسناد و مدارک موجود؛ از نوع کتابخانه‌ای و میدانی است. سپس اطلاعات حاصله از میانی نظری به روش استدلال منطقی در نمونه‌ها تحلیل شده است. بدین نحو که اطلاعات مورد نیاز در خصوص بناهای سنتی با مشاهدات مستقیم و عکسبرداری از نمونه‌های موردی واقع در منطقه مقصودیه شهر تبریز (خانه‌های بهنام، گنج‌های زاده، حیدرزاده) و بناهای مدرن (برج‌های مسکونی کوثر مشهد، مجتمع مسکونی مهرشهر کرج) با تکیه بر اسناد و مدارک حاصل شده، ارتباط طبیعت و نمونه‌ها از زوایا و جنبه‌های مختلف بررسی گشته است. علت انتخاب نمونه‌ها؛ اقلیم تقریباً مشابه خانه‌های مدرن و سنتی، توجه به طبیعت در خانه‌های مدرن، در خانه‌های سنتی نیز واقع بودن آن‌ها در یک منطقه و دسترسی و بررسی دقیق نویسندگان بوده است.

۴- ادبیات موضوع

۴-۱- معرفت‌شناسی

واژه معرفت از نظر لغوی به معنای شناسایی و شناختن و آشنا شدن است (دهخدا). در نظریه‌های معرفت عبارت از ادراک جزئیات و علم ادراک کلیات است. عده‌ای هم بر این باورند که اگر کسی چیزی را ادراک کرده و اثری از آن در نفس او حاصل شود و بعد مجدداً آن را درک کند معرفت نامیده می‌شود. از این جهت عرفان و معرفت از لحاظ رتبه بالاتر از علم است. معرفت در باب خود و خداوند بالاترین نوع شناختی است که انسان می‌تواند به آن دسترسی پیدا کند چون ارزش هر معرفتی به معروف آن است و شناخت و ادراک ذات اقدس ربوبی در حقیقت همان خیر کثیر است (جعفری، ۱۳۹۳: ۷). از دیدگاه اندیشمندان مسلمان شناخت را نمی‌توان تعریف کرد، چون مفهومی بدیهی است. اما به هر رو تعریف‌هایی از آن ارائه شده که در واقع تعریف نیست، بلکه توجه دادن به وجوه آن است (نقره کار؛ ۱۳۸۷: ۸۳). از نظر مطهری؛ وقتی یکی می‌گوید به هیچ نمی‌شود معرفت پیدا کرد، این خودش نوعی معرفت به هیچ است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۹، ۵۷۱). به اعتقاد حکمای اسلامی، شناخت جهان به طور کلی (آنچنان که هست) یعنی ایمان اسلامی؛ همان ایمانی که در قرآن نیز بدان اشاره شده است. حکما ایمان را به صورت معرفت و شناخت و به صورت حکمت تفسیر می‌کنند. بدین نحو که ایمان یعنی شناخت، اما شناختی که یک شناخت فلسفی و حکیمانه است، نه شناخت علمی که شناخت جزئی است. شناخت فلسفی و کلی و حکیمانه، یعنی اینکه مبدا و مقصد جهان و مراتب و جریان‌های کلی جهان را کشف کنیم و بدانیم (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۲۳، ۱۸۲). معرفت و شناخت خدا یک شناخت بدیهی و از آشکارترین بدیهیات است و آنچه مانع شناخت او می‌شود جهل و نادانی نیست بلکه غفلت و بی‌توجهی است (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۹۲ یا ۷۰). پس از اینکه انسان حق را شناخت؛ برحسب فطرت پاک خود به آن ایمان می‌آورد، ایمانی که سرچشمه بسیاری از تحولات در زندگی او خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۱۰: ۱۸۶). امیر المومنین در خطبه اول می‌فرماید: ۱- اول دین، معرفت خداست. مقصود از اول؛ آغاز زمانی نیست؛ بلکه مقصود، پایه و اساس زندگی دینی است که البته به طور طبیعی آغاز زمانی را نیز شامل می‌شود. ۲- و کمال و معرفت او، تصدیقش (و کمال معرفه التصدیق به)؛ معرفت خداوندی، بدون تصدیق به وجودش به مرحله کمال نمی‌رسد. بنابراین تصدیق به وجود خداوندی، توضیح دهنده کمال معرفت اوست. ۳- و کمال تصدیق او، توحیدش (و کمال التصدیق به توحیده). ۴- و کمال توحید او، اخلاص به مقام کبریایی اش (و کمال توحیده الاخلاص له) ۵- و کمال اخلاص به او، نفی صفات ترکیب کننده ذاتش (و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه) (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۳۱). معرفت خدا برای هر موجودی که دارای درک است؛ هرچند ناچیز، وجود دارد و منحصر به آدمیان نبوده، همان گونه که حیوانات و نباتات برحسب مرتبه وجودی خود نسبت به پروردگار معرفت دارند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۸: ۸۶). برای معرفت الهی دو راه مشخص، اولویت دارد: ۱- سیر آفاقی ۲- سیر انفسی (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۷۶). امیر المومنین همه اجزا و روابط موجود در جهان هستی را آیات الهی تلقی می‌کند و به شناخت جهان توصیه می‌نماید و می‌فرماید: اگر حیات آدمی انسان محوری بوده باشد، یعنی انسان یک جزء ناآگاه از طبیعت نباشد که هستی و نیستی او در بازنگاه طبیعت بی‌اصل و هدف باشد، باید شخصیت انسانی خود را از جبر نابود کننده بگیرد و آن را در مسیر رشد و کمال آزاد بسازد (جعفری، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۷).

۴-۲- ابزار شناخت و منابع معرفت

شهید مطهری می‌فرماید: «تعبیر بهتر این است که دل منبعی برای شناخت است و تزکیه نفس ابزار این منبع، چنانچه طبیعت منبعی برای شناخت است و حواس ابزار آن، و نیز عقل منبعی برای شناخت است و استدلال و برهان ابزار آن». لذا بین ابزار و منابع معرفت فرق گذاشته اند؛ و طبق این نظر منابع معرفت عبارتند از: ۱- طبیعت، ۲- فطرت انسان، ۳- تاریخ، ۴- عقل، ۵- قلب (یعنی دل در حد تصفیه و تزکیه)، ۶- وحی و الهام، ۷- تجربه دینی، ۸- آثار علمی و کتبی گذشتگان. (علی، ۱۳۹۸: ۸-۹). سه ابزاری که به‌وسیله آن‌ها امکان شناخت حاصل می‌شود عبارتند از سه نیروی؛ ۱- حس ۲- عقل ۳- شهود درونی. که در ۴ دسته (حس گرایان، عقل گرایان، شهود گرایان، دسته چهارمی که هر سه ابزار را می‌پذیرند) قابل تقسیم‌اند: (نقره کار، ۱۳۸۷: ۸۵).

۴-۲-۱- حس‌گرایان

حس‌گرایان عقل و شهود درونی را باور ندارند و تنها به ابزار حس ظاهری می‌پردازند و بر این باور بودند آنچه که از ابزار عقل به دست می‌آید، همان صورت‌های ذهنی به دست آمده از حس است، که با فعالیت‌های ذهن دگرگون شده است. در این روش بیشتر توجه به یافته‌های حسی آگاهی‌هایی که بر پایه تکرار تجربه و آزمون مکرر به دست می‌آیند (لوح سفید) است. به اعتقاد آن‌ها روش تعقلی بدون یاری گرفتن از تجربه حسی نمی‌تواند به هیچ حکمی برسد ولی مصباح و دیگر اندیشمندان معاصر عکس این قضیه را ثابت کرده‌اند؛ به عبارتی این تجربه حسی است که نمی‌تواند بدون یاری گرفتن از عقل به هیچ حکم و قانون کلی و عملی برسد. ما به یاری تجربه نمی‌توانیم کلیات را درک کنیم و تنها تجربه می‌تواند موارد جزئی را یادآور کند. دکارت نیز ابزار حس را یقین آور نمی‌دانست (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۶). حواس ابزاری برای منبع طبیعت (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۱۳، ۳۴۷) و طبیعت دراصل همان جهان مادی است که به وسیله حواس خود با آن در ارتباط هستیم. بیشترین ارتباط ما با ابزار حس صورت می‌گیرد ولی نمی‌توان گفت که عقل و قلب به کار نمی‌آیند. طبیعت به عنوان یک منبع بیرونی کسب آگاهی به شمار می‌رود (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۸۷). قرآن کریم تاریخ را نیز به عنوان منبع شناخت معرفی می‌کند که می‌توان تاریخ را جزء طبیعت برشمرد (مطهری، ج ۱۳، مجموعه آثار، ۳۸۳).

۴-۲-۲- عقل‌گرایان

افرادی همچون دکارت و افلاطون که تنها به عقل تکیه دارند (پاپکین، ۱۳۶۱: ۲۷۱). در این روش تنها به یافته‌های عقلی اعتماد می‌شود و آن‌ها را یقین آور می‌دانند. از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، شیوه‌های دست‌یابی به معرفت به روش تعقل عبارت‌اند از: تمثیل، استقراء و قیاس (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۸۶). استدلال عقلی، استدلال منطقی؛ به عنوان ابزار دوم شناخت است یعنی آنچه که منطقی از آن به عنوان «برهان» یا «قیاس» یاد می‌کند، می‌باشد که یک نوع عمل است که ذهن انسان آن را انجام می‌دهد (نوعی عمل عینی) (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۱۳، ۳۷۴).

۴-۲-۳- شهودگرایان

کسانی که تنها راه شناخت یقینی را راه قلب و شهود درونی می‌دانند و حس و عقل را قابل اعتماد نمی‌دانند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۸۵). به گفته شهید مطهری در مکاتب اشراق «در شناخت حقیقی انسان از راه تزکیه نفس و صفای قلب و الهام باطن و دل بدان می‌رسد، می‌بایست این مکاتب را در درجه اول به عرفا نسبت داد اما گروهی از فلاسفه نیز بدون انکار راه عقل در شناخت و تحت این عنوان که راه قلب هم راهی برای شناخت است و باید از هر دو راه استفاده کرد، در درجه بعدی قرار می‌گیرند (مطهری، ۱۳۶۱: ۳۵). هیچ یک از مادی‌گرایان این منبع را نمی‌پذیرند اما برخی از فیلسوفان مغرب زمین و شهودگرایانی همچون (پاسکال، ویلیام جیمز، هانری برگسون) بر این منبع تأکید دارند. درون انسان؛ می‌تواند به خود انسان آگاهی دهد و با به‌کارگیری روش تزکیه، انسان از این منبع، کسب آگاهی کند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۸۸). فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی؛ دسته‌ای که هر سه ابزار ۱- حس ۲- عقل ۳- شهود قلبی را به عنوان ابزارهایی برای شناخت می‌پذیرند و برای هر کدام حوزه ویژه‌ای در نظر دارند: از میان فیلسوفان مسلمان، کندی ارزش بیشتری نسبت به عقل قائل است. فارابی معرفت را به حسی (درک‌کننده جزئیات) و عقلی (درک‌کننده کلیات) تقسیم می‌کند و ادراک جزئیات را پیش‌نیازی برای ادراک کلیات می‌داند. غزالی، فخر رازی، سهروردی و ملاصدرا نیز حس و عقل را ابزار شناخت می‌دانند. ابن سینا ابزار علم را حس و عقل می‌داند و مبدا معرفت را حس و مرتبه آن را پایین‌تر می‌داند. (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۸۵).

۴-۳- طبیعت در جهان بینی توحیدی:

طبیعت؛ سیستمی نظام‌وار و هماهنگ از زیر مجموعه‌های بهم پیوسته و هماهنگ است که در راستای هدف هستی، که خداوند در وجود طبیعت به ودیعه نهاده گام برداشته و بدون دخالت انسان نیز گام برخواهد داشت (محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۶۱). آیه ۱۴ سوره مومنون «ثم انشأناهم خلقناه آخر» بیان‌کننده این است که، انسان موجودی طبیعی- آن‌جهانی است که طبیعت زادگاه روح و بستر تکامل اوست (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۱۰). زیرمجموعه‌ها و اهداف طبیعت را می‌توان در عناوینی همچون: ۱- طبیعت مخلوق و پرورده خدا ۲- طبیعت نشانه هستی و تجلی صفات ۳- طبیعت نعمت خدا و مسخر انسان ۴- طبیعت مایه عبرت ۵- طبیعت نظام مند و هدفمند: مایه آفرینش انسان و عامل تغییر و تحول ۵- طبیعت دارای دو چهره ملکی و ملکوتی بیان نمود که در ذیل تشریح شده است.

۴-۳-۱- طبیعت مخلوق و پرورده خدا

اسلام از زاویه‌ای غیر مادی به طبیعت می‌نگرد. از نظر قرآن، طبیعت مخلوق خداوند تواناست که در کار او هیچ گونه کاستی و جهالت راه ندارد (خواجه، ۱۳۹۳: ۱۲). واژه‌های «خلق، فطر، بدیع» در قرآن کریم برای بیان مخلوق بودن پدیده‌های طبیعی

به کار رفته است و راغب اصفهانی در مفردات هرسه واژه را «نوآفرینی و ایجاد بدون سابقه وجودی» معنی کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۱).

۴-۳-۲- طبیعت نشانه هستی و تجلی صفات:

در آیه ۲ سوره رعد و آیه ۱۰۱ سوره یونس قرآن کریم پدیده‌های الهی را آیات الهی و مبین حقانیت خدا برمی‌شمارد و شهید مطهری در توضیح آیه ۵۳ سوره فصلت می‌فرماید: «ادراک مخلوقات آن چنان که هست در حقیقت ادراک خداوند بوده همانند ادراک اشیا در آئینه؛ یعنی حقیقت آنها عین ظهور و تجلی ذات حق است» (مطهری، ۱۳۸۶: ۹۷۵). بر باور قرآن، اگر آدمی تعصب‌ها و پیش فرض‌های نادرست، گرایش‌های غیر منطقی و فاقد دلیل را که چونان حجابی جلوی چشمان او را گرفته و وی را از دیدن حقایق و درک واقعیت‌های نظام هستی باز داشته است، کنار بگذارد و در نظم و استواری خلقت جهان تدبیر کند و زیبایی‌ها، جذابیت‌ها و تنوع موجودات را ببیند، خواهد فهمید که در پس پرده‌ی این جهان مادی، خداوندی وجود دارد که آفریننده این همه است. حضرت علی (ع) هم همین در این خصوص می‌فرماید که: هریک از پدیده‌ها حجت و برهانی بر وجود خدا می‌باشند و در آنچه آفریده نشانه‌های حکمت او پدیدار است (خواجه، ۱۳۹۳: ۱۳). آیه ۸۸ سوره مومنون (قل من بیده ملکوت کل شیء) به روشنی بیانگر این موضوع است که منشا وجودی تمامی پدیده‌ها، در ماوراء طبیعت به دست خداست و منظومه طبیعت، حقیقت الهی است که خود را در وجود پدیده‌ها متجلی کرده و از ذات خدا مشتق شده است (عادلی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در ارتباط با آیه ۴۴ سوره اسراء علامه طباطبایی می‌فرماید: «هر موجودی دارای مرتبه‌ای از علم بوده و تسبیح موجودات، تسبیحی حقیقی است» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۵۱). از جمله مهارت‌هایی که انسان در مواجهه با عالم طبیعت باید یاد بگیرد؛ با شعور دانستن آیات طبیعی و درس گرفتن از نحوه رفتار آن‌ها در برابر مدبر یگانه است می‌توان مراتبی از عشق و شعور را درک نمود آن مشاهده‌ی آیات از جهت مخلوق بودن آنها است (خواجه، ۱۳۹۳، ۱۵). کل حقیقت عالم طبیعت، تشکیل یافته از صفات مختلف الهی و تجلیات اسما در حکم مستند همه حقایق و پدیده‌های این جهان است و تنها در نتیجه استناد به اسما الهی به وجود آمده‌اند (نصر، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

۴-۳-۳- طبیعت نعمت خدا و مسخر انسان

طبیعت (نعمت خدا) در اختیار انسان قرار گرفته تا از طریق بهره برداری از آن به نیازهای خود دست یابد و زمینه‌ی نشاط، شادابی او فراهم گردد. از این روی شکر این نعمت‌ها و حفظ این امانت‌ها بر آدمیان لازم است (خواجه، ۱۳۹۳: ۱۳). غایت تمامی موجودات فراهم آوردن مقدمه و ابزاری برای کمال و سعادت انسان است (بهشتی و شکر، ۱۳۹۰: ۱۶).

۴-۳-۴- طبیعت مایه عبرت

بسیاری از پدیده‌های طبیعی از منظر قرآن مایه عبرت هستند. واژه عبرت به معنی گذر از معرفت محسوس به معرفت نامحسوس است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۸۳). امیر المومنین تفکر را ابزار و لوازم عبرت گرفتن معرفی می‌کند: «رحمت خدا بر آن کس باد که فکر کند، پس عبرت گیرد». در آیه ۲۶ سوره مبارکه نازعات نیز عامل و ابزار عبرت گرفتن: «قلب واجد خشیت از خدا» بیان گشته؛ یعنی حرکت از شگفتی‌های آفرینش و مظاهر طبیعت و به حقیقت و به خدا رسیدن. حتی آیه دیدن طبیعت، یعنی آن را نماد، علامت، نشانه و یا رمز و راز حقیقتی والاتر و در نهایت، نشانه‌ای از خدا دیدن، ابزار، صفات و خصوصیات خاص خود را می‌طلبند (خواجه، ۱۳۹۳، ۱۴).

۴-۳-۵- طبیعت نظام مند و هدفمند؛ مایه آفرینش انسان و عامل تغییر و تحول

آیه ۳ سوره ملک و آیه ۴۰ سوره یس مبین نظام مندی طبیعت است. نظم و هماهنگی عالم آفرینش، نشانگر هدف و غرض خاصی از خلق پدیده‌ها و عناصر جهان است (نصری، ۱۳۸۶: ۴۰). حرکت و تحول مخلوقات به سوی غایت ناشی از هدایت عمومی است که خداوند لوازم آن را در وجود تمامی موجودات عالم قرار داده (بهشتی و شکر، ۱۳۹۰: ۱۳). قانون عمومی عالم طبیعت، تحول و تکامل است (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۷۲ و نصر، ۱۳۵۹: ۱۱۹). در طبیعت، غایت هر عنصر و پدیده‌ای کمال آن است (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۲۲۳). اندیشمندانی همچون ابن سینا، ابوریحان و اخوان صفا؛ طبیعت را در معنای اصل تغییر و نیروی محرکی می‌بینند، که تا آنجا که مقدور است عنصر را به سوی کمال طبیعی و ذاتی خود می‌کشاند (نصر، ۱۳۵۹: ۹۲). پذیرش هرگونه تغییر و حرکتی در این مجموعه، هماهنگ با ماهیت و ویژگی‌های درونی آن عنصر یا پدیده است که از آن با نام قوانین تنظیم‌کننده روابط بین عناصر و پدیده‌های طبیعی (نظم الهی) یاد می‌شود (همان، ۳۵۸).

۳-۶- طبیعت دارای دو چهره ملکی و ملکوتی

تمامی اشیاء عالم دو چهره (ملکی و ملکوتی) دارند؛ چهره ملکی اشیاء همان چهره ظاهری آنهاست و چهره ملکوتی بیانگر ارتباطشان با خداست، چهره ملکوتی با احساس و علوم تجربی دریافت نمی‌شود و برای هرکسی امکان پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۷۳). مطالعه چهره ملکی طبیعت (ظاهری)، تنها خواص و قواعد فیزیکی اشیاء طبیعت را آشکار می‌سازد و نظاره چهره ملکوتی اشیاء؛ سبب مایه یقین انسان گشته و تعلقشان به خدا را هویدا می‌سازد (بهشتی و احمد: ۱۳۸۶). چنانچه در آیه ۷۵ سوره انعام می‌فرماید: آنگونه که ابراهیم (ع) نیز با مشاهده ملکوت آسمان‌ها و زمین به یقین دست یافت.

۴-۴- طبیعت در عرفان اسلامی

نازل‌ترین مرتبه از مراتب و خطرات وجود در نزد عرفا و حکمای اسلامی؛ عالم ملک و طبیعت است و دنیا حکم منزلگهی موقت دارد. در عرفان اسلامی، حیات طبیعت پیمایی از بازگشتن به آغاز برای تجدید فعالیت نیروهای مقدس است و عناصر طبیعت نمایشگاه بزرگی است از مظاهر آفاقی. با این نگاه عارفانه پدیده‌های طبیعت یا خود مظهر جمال هستند یا به نوعی محو و شیفته‌ی آن. درک واقعی جهان آفاقی در نظر عارفان بدین نحو بوده که پدیده‌ها ناشی از وجود خداست؛ در نتیجه خدای یگانه وجود دارد و با این پدیده‌ها و زیبایی‌ها خود را می‌شناساند. در حقیقت؛ عالم شهادت یا محسوسات و آفاق از یک‌سو، آینه‌ی ملکوت و عالم حقیقت، و از سوی دیگر مظهر تجلی صفات خداوند یگانه است (فرخزاد و سرمیلی، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۵). در سیرآفاقی، صوفی و عارف با مشاهده منظر طبیعت و جمال و زیبایی‌های آن، در ذهنش تاثیر مثبت دارد (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۴۷). آفاق در ذهن عارف، عالم بالا و علوی را متذکر می‌شود. همچنان انسان، بی‌وقفه ذات حق را درکنه و بطن آن جست‌وجو می‌کند. آفاق و انفس نیز در جلوه‌گاه طبیعت به یکدیگر گره و پیوند می‌خورند و از برکت این پیوند همه چیز معنا می‌یابد و طبیعت و جلوه‌های گوناگون آفاق نمودی از نیستان عالم اصل می‌گردد. (فرخزاد و سرمیلی، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۳۵). در مجموع می‌توان چنین برداشت نمود که: در نزد عرفا جهان و طبیعت در حکم منزلگهی موقت بوده و طبیعت و جهان همانند نمایشگاهی از عناصر طبیعت است که این عناصر مظهر جمال حق و تجلی‌گر صفات الهی هستند، عارف با سیر آفاق و مشاهده طبیعت از زیبایی‌های طبیعت بهره گرفته و به یاد جهان آخرت است چراکه در همه عناصر هستی خدا را درمی‌یابد. در بخش بعدی به بررسی آفاق و سیرآفاقی پرداخت می‌شود.

۴-۱- مراتب سیر انسان

الف) سیر ارضی: سیر و سیاحت در مناطق مختلف عالم و ارض؛ به سفر ظاهری تعبیر شده است منظور از سفر ظاهری همان سیر به تن و جسم در آفاق و حرکت از محل اقامت به سوی جانب و مقصود است که در مقابل این سفر، سفر معنوی است (فرخزاد و سرمیلی، ۱۳۹۶: ۱۳۶). سفر معنوی نیز عبارت است از: ۱- سیر دل در ملکوت ۲- کناره‌گیری از صفات و خلق و خوهای ناپسند به قصد وصول به مقامات عالی انسانی و قرب محبوب است (عطارد نیشابوری، ۱۳۸۴: ۴۹۹).

ب) سیر در مراتب طولی عالم: در نظر اهل معرفت؛ آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی فصلت بیانگر جریان حضرت حق در همه‌ی موجودات بوده (ابن عربی، بی‌تا: ۱۶/۲). بر اساس مبانی هستی‌شناسی در عرفان؛ عالم محل ظهور و تجلیات اسماء و صفات حضرت حق بوده که شامل دو مرتبه است: ۱- عالم آفاق که از آن به انسان کبیر تعبیر می‌شود و شامل همه‌ی مراتب بیرون از نفس انسان است. ۲- عالم نفوس انسانی که از آن به عالم صغیر تعبیر می‌شود. عوالم یاد شده در حقیقت مراتب ظهور اسماء و صفات خدای متعال است و تفاوت این دو مرتبه در آن است که: در مرتبه‌ی آفاقی این ظهور و تجلی به نحو تفصیل و در مرتبه‌ی نفس انسانی به نحو اجمالی است (فرخزاد و سرمیلی، ۱۳۹۶: ۱۳۷). منظور از عالم آفاق طبیعت بیرون از وجود انسان است (عالم هستی)؛ که در آن صفات خدا به صورت تفصیلی تحقق می‌یابد و سیر در آفاق همان سیر در طبیعت و عالم ظاهری است که شامل سیر ارضی (سیر و سفر در جهان) و سیر در مراتب طولی عالم؛ که اسما و صفات حضرت حق در این مرتبه بر انسان تجلی می‌یابد.

۴-۵- اهمیت طبیعت در رسیدن به معرفت در معماری و مسکن (معرفت حاصل از طبیعت)

در نظر نقی‌زاده اصلی‌ترین خصیصه مسکن مطلوب در لایه‌های معرفت شناختی و وجوه درونی انسان نهفته شده و خودآگاهی و «حس حضور» عالی‌ترین صفت برای معماری خوب است (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۷). سکونت از نظر هایدگر فرآیندی است مکان بودن تبدیل به خانه گشته که با چهار منبع اصلی تفکر (خدا، خود، آسمان و زمین) هماهنگی برقرار می‌کند (پاراحمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۳). در خانه‌های سنتی ارتباط با طبیعت در سه عرصه متفاوت کالبدی باز، نیمه باز و بسته شکل می‌گرفت که باعث ادراک حسی طبیعت از زوایا و فاصله‌های مختلف و ایجاد معانی جدید می‌شده است (یاری بروجنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۸۲). طبیعت در خانه‌های سنتی همواره با سه سیمای اولیه، ثانویه و تجریدی حضور داشته است. اسپیرن در تعریف طبیعت اولیه و ثانویه چنین می‌گوید: از نظر مولفینی همچون سیسرو و مارکس، طبیعت اولیه در مفهوم طبیعتی است که انسان آن را دگرگون نساخته و تبدیل به طبیعت ثانویه نکرده است (اسپیرن، ۱۳۸۷: ۴۱). به اعتقاد معتقدان حکمت اسلامی؛ بشر امروزی انسانیت را به تمسخر گرفته و

مرتبه خود را تا یک حیوان (تامین کننده نیازهای مادی و معنوی) پایین آورده و بشریت در مسیر خواسته‌های خود ادیان آسمانی را تحریف نموده و آنچه امروزه از این ادیان باقی مانده چیزی جز نفسانیت انسان‌ها نیست. پیشنهاد این گروه به‌عنوان راه‌حل؛ ادراک آگاهانه هستی‌شناسی توحیدی و انسان‌شناسی عمیق و خاص آن است. در این میان می‌بایست سیر از ظاهر به باطن؛ صورت به معنا؛ کثرت به وحدت را به عنوان اصلی بنیادین مطرح نمود. شاخص برجسته رویکرد فوق؛ نگاه آیه ای و سمبلیک به کالبدها و صورت هاست. در این نگاه ایده‌های ذهنی و نظری می‌توانند به‌صورت نسبی و رمزپردازانه مفاهیم و معانی مورد نظر هنرمند را متجلی سازند، به‌صورتی که نه تقلید و تکرار اجتناب‌ناپذیر است و نه هر صورتی می‌تواند به‌صورت نسبی در شکل‌ها و در صورت‌های متنوع و بدیهی ظاهر شوند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۴۱). با بررسی‌های صورت گرفته از مبانی ارتباط طبیعت و معرفت را می‌توان در جدول ذیل خلاصه نمود:


جدول ۱- ارتباط طبیعت و معرفت (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

معرفت و شناخت	به کمک معرفت حسی	به کمک سیر عقلانی و معنوی (عقل و قلب)
<p>طبیعت در جهان بینی توحیدی و عرفان اسلامی</p>	<p>- بهره برداری از طبیعت به امانت گذاشته شده در اختیار انسان که منجر به نشاط و شادابی می‌شود</p> <p>- چهره ملکی طبیعت؛ خواص و قواعد فیزیکی اشیا (چهره ظاهری)</p> <p>- سیر در آفاق (عالم ظاهری و سیروسفر در جهان)؛ بررسی تحولات هر پدیده در بستر زمان و ارتباط آن با سایر پدیده‌ها</p>	<p>- نگرشی غیر مادی</p> <p>- عناصر در حکم آیات آیتی، تدبیر در نظم و استواری جهان</p> <p>- مایه عبرت بودن طبیعت (عبور از معرفت محسوس به نامحسوس)</p> <p>- نظم و هماهنگی عالم، تغییر و تحول</p> <p>- چهره ملکوتی (ارتباط طبیعت با خدا و تعلق اجزاء طبیعی به خدا) منجر به یقین می‌شود.</p> <p>- سیر در مراتب طولی که منجر به تجلی اسماء و صفات حضرت حق می‌گردد.</p>


۵- محدوده مطالعه

برای پیشبرد تحقیق و بررسی نتایج حاصله از مبانی؛ اطلاعات مورد نیاز در خصوص بناهای سنتی با مشاهدات مستقیم و عکسبرداری از نمونه‌های موردی واقع در منطقه مقصودیه شهر تبریز (خانه‌های بهنام، گنجه‌ای‌زاده، حیدرزاده) و بناهای مدرن (برج‌های مسکونی کوثر مشهد، مجتمع مسکونی مهرشهر کرج) با تکیه بر اسناد و مدارک حاصل شده، ارتباط طبیعت و نمونه‌ها از زوایا و جنبه‌های مختلف بررسی گشته است. علت انتخاب نمونه‌ها؛ اقلیم تقریباً مشابه خانه‌های مدرن و سنتی، توجه به طبیعت در خانه‌های مدرن، در خانه‌های سنتی نیز واقع بودن آن‌ها در یک منطقه و دسترسی و بررسی دقیق نویسندگان بوده است.


۵-۱- خانه گنجه‌ای‌زاده

معرفت و شناخت - عکس	به کمک معرفت حسی	به کمک سیر عقلانی و معنوی (عقل و قلب)
	<p>دارای دو ساختمان، ساختمان بیلاقی و قشلاقی و یک حیاط با حوض و فضای سبز (بهره برداری از طبیعت)</p> <p>در زیر تالار حوضخانه قرار گرفته برای اقامت در تابستان (بهره برداری از طبیعت در فضای بسته)</p> <p>دارای تراسی تابستانه (پشت به آفتاب)</p> <p>پنجره‌ها ساده فاقد حکاکی و مشجر (دید به حیاط)</p> <p>چهره ملکی و خواص فیزیکی عناصر</p>	<p>ستون‌ها مقرنس‌کاری شده</p> <p>(طبیعت تجریدی، چهره ملکوتی (گچ بری ها و مقرنس‌ها))</p>


۵-۲- حیدرزاده

معرفت و شناخت - عکس	به کمک معرفت حسی	به کمک سیر عقلانی و معنوی (عقل و قلب)
	<p>دارای دو حیاط اندرونی و بیرونی (طبیعت ثانویه، ایوان و پنجره‌های چوبی و حکاکی شده و رنگارنگ</p> <p>شیشه‌های رنگی شادابی و سرزندگی می‌بخشد</p> <p>حوضخانه در زیرزمین؛ خنکی و سرمایی دلنشین در گرمای تابستان، حوض لاجوردی و نیلگون حیاط</p> <p>پنجره‌های چوبی حکاکی شده، شیشه‌های رنگارنگ</p> <p>چهره ملکی و خواص فیزیکی عناصر</p>	<p>دارای ستون‌های گچبری</p> <p>(طبیعت تجریدی، چهره ملکوتی (گچ بری ها و مقرنس‌ها))</p>


۵-۳- خانه بهنام

معرفت و شناخت - عکس	به کمک معرفت حسی	به کمک سیر عقلانی و معنوی (عقل و قلب)
	<p>دارای دو حیاط اندرونی (حیاط کوچک؛ جهت سرمایه‌ش و تهویه و نوررسانی به فضاها، دارای حوض و درخت) و بیرونی (حیاط نسبتاً بزرگ؛ دریافت تابش و عدم سایه اندازی، دارای حوض آسمانی رنگ وسط حیاط و درخت) جهت بهره‌برداری و نشاط و شادابی- آب و درخت موجود (چهره ملکی و خواص فیزیکی عناصر)</p> <p>ایوان ستوندار با تزیینات گچی، پنجره‌ها مشجر (دید به حیاط)</p>	<p>تراس تابستانی با ستون‌ها و سرستون‌های گچی و مقرنس‌کاری شده، پیشانی ساختمان دارای گچبری و طاق نماهای طرفین ایوان جنوبی مقرنس‌کاری شده است. گچ کارهای داخل تالار (طبیعت تجریدی، چهره ملکوتی (گچ بری‌ها و مقرنس‌ها))</p>

۵-۴- برج‌های مسکونی کوثر مشهد

معرفت و شناخت - عکس	به کمک معرفت حسی	به کمک سیر عقلانی و معنوی (عقل و قلب)
	<p>باغ زمستانی در طبقات ضلع شمالی هردو برج- حیاط شامل درختان، پرچین‌ها و گلپایه‌های فصلی معادل ۲۵ درصد مساحت هر واحد مسکونی (طبیعت ثانویه)- وجود تراس سبز و آرام و ارتباط با طبیعت- ارتباط با آب و گل و گیاه در داخل فضا؛ به عنوان عنصری از طبیعت</p> <p>چهره ملکی و خواص فیزیکی عناصر</p>	<p>استفاده از درختانی که با تغییر فصل ظاهری متفاوت به خود می‌گیرد؛ درمسیرهای دسترسی؛ هیچ چیز ثابت نیست و انسان در این دنیا مسافری بیش نیست.</p> <p>نظم و هماهنگی عالم، تغییر و تحول</p>

۵-۵- مجتمع مسکونی مهرشهر کرج

معرفت و شناخت - عکس	به کمک معرفت حسی	به کمک سیر عقلانی و معنوی (عقل و قلب)
	<p>فضای سبز در تراس واحدها حیاط مرکزی شامل درختان، پرچین‌ها، دیواره سبز پیرامون سایت؛ مساحت قابل توجهی از کل سایت را به خود اختصاص داده است (طبیعت ثانویه)- وجود تراس سبز و آرام و ارتباط با طبیعت- طراحی به صورت سلسله مراتبی؛ باز (حیاط)، نیمه باز (تراس)، بسته (واحد مسکونی)- ادغام طبیعت و معماری و به کارگیری آب و گل و گیاه به عنوان عنصری از طبیعت در داخل فضا</p> <p>چهره ملکی و خواص فیزیکی عناصر</p>	<p>استفاده از درختانی که با تغییر فصل ظاهری متفاوت به خود می‌گیرد؛ درمسیرهای دسترسی؛ هیچ چیز ثابت نیست و انسان در این دنیا مسافری بیش نیست.</p> <p>نظم و هماهنگی عالم، تغییر و تحول</p>

با مقایسه نمونه‌ها در می‌یابیم که:

معرفت حسی حاصل از طبیعت در نمونه‌ها: در خانه‌های سنتی: ایوان‌ها و تراس‌های بلند (واسط فضای داخلی و بیرون) و پنجره‌های بزرگ و مشجر دید به حیاط را محیا کرده است. خانه حیدرزاده و بهنام دارای دو حیاط (اندرونی و بیرونی) و خانه گنج‌ای‌زاده دارای تک حیاط است. خانه گنج‌ای‌زاده و حیدرزاده با دارا بودن حوضخانه در زیر تالار اصلی، طبیعت را به داخل خانه کشیده‌اند که منجر به معرفت حسی می‌شوند. در خانه‌های مدرن: تراس سبز، باغ زمستانی در طبقات؛ ارتباط با طبیعت را فراهم کرده است. در برج‌های مسکونی کوثر مشهد، علاوه بر حیاط محوطه، در طبقات نیز باغ سبز و تراس سبز وجود دارد، در فضای داخلی نیز از عناصر طبیعت استفاده شده است. در مجتمع مسکونی مهرشهر کرج، با بهره‌گیری از حیاط مرکزی سبز و دیواره سبز پیرامونی مجتمع از طبیعت بهره‌برده است.

معرفت عقلانی و معنوی حاصل از طبیعت در نمونه‌ها: خانه بهنام دارای ستون‌ها و تزیینات گچی و مقرنس‌کاری شده و پیشانی گچبری‌شده و تزیینات گچی داخلی (طبیعت تجریدی) و خانه حیدرزاده و گنج‌ای‌زاده نیز دارای ستون‌های مقرنس‌کاری

شده (تجربید طبیعت) است که منجر به معرفت عقلانی و معنوی می‌شود. در نمونه‌های مدرن با استفاده از درختان چهارفصل، با یادآوری این مهم که هیچ چیز ثابت نیست و انسان در این دنیا مسافری بیش نیست. منجر به معرفت عقلانی و معنوی می‌گردد.

تحلیل: ارتباط با طبیعت در هر سه حوزه (فضای باز و نیمه باز و بسته) صورت گرفته است بطوریکه درختان بهنام در عرصه باز (حیات بیرونی و اندرونی) و در عرصه نیمه‌باز (ایوان و دید به حیاط) و در عرصه بسته (گنجری های گیاهی) وجود دارد. در خانه گنجه ای زاده و حیدرزاده در عرصه باز (حیات بیرونی و اندرونی) و در عرصه نیمه‌باز (ایوان و دید به حیاط) و در عرصه بسته (حوضخانه در زیرزمین) وجود دارد. در برج‌های مسکونی کوثر مشهد در عرصه باز (حیات محوطه) و در عرصه نیمه‌باز (باغ زمستانی و تراس سبز) و در عرصه بسته (استفاده از عناصر طبیعی) وجود دارد. در مجتمع مسکونی مهرشهر کرج در عرصه باز (حیات محوطه و دیواره سبز پیرامونی) و در عرصه نیمه باز (تراس سبز) و در عرصه بسته (استفاده از عناصر طبیعی) وجود دارد. معرفت عقلانی و معنوی حاصل از طبیعت: در خانه بهنام در هر سه حوزه (با وجود گنجری و مقرنس)، در خانه گنجه ای زاده و حیدرزاده در دو حوزه و در برج‌های مسکونی کوثر مشهد و مجتمع مسکونی مهرشهر کرج در دو حوزه (درختان چهارفصل) صورت می‌پذیرد. معرفت حسی حاصل از طبیعت: درختان حیدرزاده و گنجه ای زاده و برج‌های مسکونی کوثر مشهد و مجتمع مسکونی مهرشهر کرج در هر سه حوزه، در خانه بهنام در دو حوزه صورت می‌گیرد. در قیاس خانه‌های سنتی و مدرن می‌توان گفت: در هر دو معرفت حسی حاصل از طبیعت با بهره گیری از عناصر طبیعی به‌طور مادی در هر سه حوزه صورت گرفته است که با استفاده از ابزار حس می‌توان به معرفت رسید. در هر دو خانه معرفت عقلانی و معنوی با بهره گیری از عناصر غیرمادی (طبیعت تجریدی، نگاه آیه ای) حاصل شده است با این تفاوت که معرفت عقلانی و معنوی در خانه های سنتی در هر سه حوزه و با استفاده از (طبیعت تجریدی، مقرنس و گچکاری) و در خانه‌های مدرن در دو حوزه (عناصر طبیعی؛ درختان چهارفصل با یادآوری تغییر و تحول) صورت گرفته است.

۶- نتیجه‌گیری

معرفت یعنی شناسایی و شناخت و شناخت جهان یعنی ایمان اسلامی (شناخت فلسفی و حکیمانه نه شناخت جزئی). شناختی که منجر به کشف مبدا و مقصد جهان می‌گردد. طبیعت منبعی برای شناخت و حس، عقل و قلب ابزارهای شناخت است. جهان بینی توحیدی و عرفان اسلامی، هر دو حوزه معرفت شناسی (معرفت حسی، معرفت عقلانی و معنوی) حاصل از طبیعت را لحاظ کرده است. طبیعت از نظر مخلوق و پرورده خدا، نشانه هستی و تجلی صفات، مایه عبرت، نظام مند و هدفمند؛ مایه آفرینش انسان و عامل تغییر و تحول، چهره ملکوتی، سیر در مراتب طولی اشاره به معرفت‌شناسی عقلانی و معنوی و طبیعت از نظر نعمت خدا، چهره ملکی، سیر ارضی اشاره به معرفت‌شناسی حسی می‌کند. معرفت حسی حاصل از طبیعت یعنی بهره مندی مادی از طبیعت ثانویه و اولیه (در جهت نشاط و شادابی)؛ معرفت عقلانی و معنوی حاصل از طبیعت یعنی نگرش غیر مادی بدان (طبیعت تجریدی) که از طریق نگاه آیه‌ای به طبیعت صورت می‌گیرد. در نمونه‌های موردی هر دو معرفت در ارتباط با طبیعت حاصل شده به‌گونه‌ای که: معرفت عقلانی و معنوی حاصل از طبیعت: در خانه بهنام در هر سه حوزه (با وجود گنجری و مقرنس)، در خانه گنجه ای زاده و حیدرزاده و برج‌های مسکونی کوثر مشهد و مجتمع مسکونی مهرشهر کرج در دو حوزه صورت می‌پذیرد. معرفت حسی حاصل از طبیعت: درختان حیدرزاده و گنجه ای زاده و برج‌های مسکونی کوثر مشهد و مجتمع مسکونی مهرشهر کرج در هر سه حوزه، در خانه بهنام در دو حوزه صورت می‌گیرد. در نمونه‌ها ارتباط با طبیعت (طبیعت مادی و تجریدی) در هر سه حوزه حاصل شده است. در قیاس خانه‌های سنتی و مدرن می‌توان گفت: در هر دو معرفت حسی حاصل از طبیعت با بهره گیری از عناصر طبیعی به‌طور مادی در هر سه حوزه صورت گرفته است که با استفاده از ابزار حس می‌توان به معرفت رسید. در هر دو خانه معرفت عقلانی و معنوی با بهره گیری از عناصر غیرمادی (طبیعت تجریدی، نگاه آیه ای) حاصل شده است با این تفاوت که معرفت عقلانی و معنوی در خانه های سنتی در هر سه حوزه و با استفاده از (طبیعت تجریدی، مقرنس و گچکاری) و در خانه‌های مدرن در دو حوزه (عناصر طبیعی؛ درختان چهارفصل با یادآوری تغییر و تحول) صورت گرفته است.

منابع

۱. ابن عربی، محی‌الدین (۱۴۱۸)، «فتوحات مکیه»، ج ۴، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲. اسپیرن، آن ویستون (۱۳۸۷)، «زبان منظر»، ترجمه: سیدحسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.
۳. بهشتی، احمد (۱۳۸۶)، «گوهر و صدف دین»، تهران: اطلاعات.
۴. بهشتی، سعید، محمدعلی شکری نیا (۱۳۹۰)، «جایگاه طبیعت در تربیت انسان از دیدگاه قرآن کریم»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۱۹، دوره جدید، شماره ۱۲، ۳۸-۹.
۵. پاپکین ریچارد (۱۳۶۱)، «کلیات فلسفه»، نشر حکمت، تهران
۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۸۴)، «تحریک به پیمون مسیر کمالات در نهج‌البلاغه»، خلاصه سخنرانی مرحوم علامه محمدتقی جعفری، شماره ۱۳ و ۱۴.

۷. جعفری، محمد (۱۳۹۳)، «نقش و کارکرد نظریه‌ی اسماء و صفات الهی در انسان‌شناسی علامه طباطبایی»، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد در الهیات و معارف اسلامی - گرایش فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ایلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، «قرآن در قرآن (چاپ دوازدهم)»، قم، اسراء.
۹. خواجه، فاطمه (۱۳۹۳)، «نقش طبیعت در زندگی انسان در کلام امام علی (ع)»، پایان‌نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد در رشته نهج البلاغه، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی گروه آموزشی معارف اسلامی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۳)، «مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی»، تهران، مرتضوی.
۱۱. رشیدی، شیرین، سوسن کشاورز، سعید بهشتی، اکبر صالحی (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی بنیان‌های معرفت‌شناسی بر اساس دیدگاه‌های استاد مطهری و جوادی آملی». عقل و دین. دوره نهم، شماره شانزده، صفحه ۷۷-۱۰۴.
۱۲. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، جست‌وجو در تصوف، تهران، مرکز.
۱۳. طاهری، جعفر (۱۳۹۵). «تدابیر اقلیمی محیط‌های مسکونی در طب دوره اسلامی». تاریخ علم. شماره یک، دوره ۱۲، صفحه ۱۷-۳۷.
۱۴. عادل (۱۳۹۱)، «نسبت طبیعت و معماری از منظر هستی‌شناسی اسلامی پژوهشی در خانه‌های سنتی فلات مرکزی ایران با تمرکز بر ۴ خانه شاخص در یزد، نائین و کاشان»، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۶)، «رسال الولایه، ترجمه همایون همتی»، تهران، امیرکبیر.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۸)، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، ج ۴، پاورقی مرتضی مطهری، تهران: صدرا.
۱۷. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۴)، «تذکره الاولیاء»، به اهتمام محمد استعلامی، تهران، زوار
۱۸. عطایی، ستاره، سیده مرضیه طبیبیان، (۱۳۹۶). «تاثیر تعامل طبیعت با فضای معماری در ارتقای طراحی مجتمع‌های مسکونی»، عنوان همایش: کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری زمان
۱۹. علی، رجب (۱۳۹۸)، «بررسی و نقد آراء اقبال لاهوری در خصوص منابع معرفت از دیدگاه حکمت متعالیه»، پایان‌نامه جهت اخذ رساله دکتری رشته فلسفه اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) - مدرسه عالی حکمت و دین پژوهی
۲۰. فرزاد، ملک محمد، سمیه سرمیلی (۱۳۹۶)، «بررسی سیر آفاقی طبیعت و عناصر آن با تکیه بر آیات قرآنی در اشعار مولانا». فصلنامه تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی. ۱۲۹-۱۵۱
۲۱. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱)، «قاموس قرآن»، تهران: دار الکتب اسلامی.
۲۲. کبیری‌سامانی (۱۳۹۲)، «طبیعت، شیمیای معماری: نگاهی نو به انسان، طبیعت و معماری»، اصفهان: انتشارات گلدسته.
۲۳. مصباح‌یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲)، «آموزش فلسفه»، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پرورش امام خمینی، چاپ سوم، جلد ۱.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، «مجموعه آثار استاد شهید مطهری»، ج ۹ و ج ۲۳، تهران، قم، صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، «شناخت در قرآن»، نشر سپاه پاسداران.
۲۶. نسیمی، آناهیتا، حافظه پوردهقان (۱۳۹۶). «بازیابی نقش طبیعت در ارتقاء کیفیت سکونت در برج‌های مسکونی»، چهارمین کنفرانس معماری و شهرسازی، پایداری و تاب‌آوری، از آرمان تا واقعیت.
۲۷. نصر، سیدحسین (۱۳۵۹)، «علم و تمدن در اسلام»، ترجمه احمد آرام، تهران: نشرخوارزمی
۲۸. نصر، سیدحسین (۱۳۸۶)، «دین و نظام طبیعت»، ترجمه محمد حسن فغفوری، تهران: حکمت.
۲۹. نصری، عبدالله (۱۳۸۷)، «تکاپوگر اندیشه‌ها»، ج ۴، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، «درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی»، تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.
۳۱. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۰)، «ساحت‌های حیات و مراتب هنر»، فصلنامه فرهنگ، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۰
۳۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، «حس حضور، مطلوبترین برآیند ارتباطات انسان با محیط»، مطالعات معماری ایران، (۲)، ۲۷-۴۶
۳۳. یاراحمدی، محمودامیر (۱۳۸۲)، «به سوی شهرسازی انسان‌گرا»، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۴. یاری بروجنی، سعدوندی نفیسه، آرمین مهدی بهرامیان (۱۳۹۶)، «دستیابی به پایداری زیست‌محیطی در مسکن امروزی به واسطه طبیعت»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۲، شماره ۵